

بررسی اختلاف قرائات آیه «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» و نتایج فقهی آن*

□ سیدمحسن موسوی^۱

□ سیده فاطمه قدیری نژاد^۲

چکیده

با در نظر داشتن این حقیقت که قرآن کریم اولین و متقن‌ترین منبع تشریح احکام اسلامی است و دستور اقامه نماز طواف از ارکان اصلی مناسک عمره و حج تمتع، از آیه ۱۲۵ سوره بقره استنباط شده است، کشف قرائت صحیح از میان قرائات متعدد آیه و در نتیجه حکم مستنبط از آن، به جهت مذموم بودن پیروی از غیر علم و یقین، به حکم شرع و عقل ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین رویکرد قرآن‌پژوهان و فقیهان در حکم فقهی مستفاد از قرائات متعدد آیه، به دنبال واکاوی حجیت قرائات به مدد ظاهر آیه و سیاق آیات و در نتیجه استنباط حکم شرعی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در مواردی که اختلاف قرائت منجر به اختلاف در معنا و در نتیجه حکم

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران (m.musavi@umz.ac.ir).
۲. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر، مازندران، ایران (نویسنده مسئول) (seyedeh.gh@gmail.com).

مستفاد از آیه می‌گردد، رجوع به قرینه‌هایی نظیر روایات اهل بیت علیهم‌السلام، سیاق آیات، فنون ادبیات عرب و... پیش از پیش احساس می‌شود. در همین راستا، قرائت غیر مشهور آیه «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا»، خلاف آنچه که ادعا شده، با سیاق آیات تناسب کمتری دارد و بالطبع از اعتبار کمتری جهت استخراج حکم فقهی برخوردار است.

واژگان کلیدی: علم قرائت، حجیت قرائت، نماز طواف، آیه ۱۲۵ بقره.

مقدمه

عموم فقهای مذاهب اسلامی، قرآن کریم را اساسی‌ترین و مهم‌ترین مأخذ احکام خداوند و مشتمل بر اصول عقاید، تاریخ، اخلاق و احکام برشمرده‌اند. روشن است که نخستین بُعد رجوع به قرآن کریم و تمسک به احکام و معارف آن، قرائت صحیح این کتاب الهی است. گاه نوع قرائت آیه و یا کلمات قرآنی می‌تواند در احکام فقهی تغییراتی ایجاد کند. عوامل متعددی نظیر بدون نقطه و اعراب بودن مصاحف اولیه، لهجه اقوام، مصاحف اولیه، اجتهاد در انتخاب قرائات بر اساس مرجحات و... در پیدایش و گسترش قرائات مختلف از قرآن کریم نقش داشته است. لذا طرح و بحث پرسش‌های زیر دور از انتظار نخواهد بود. آیا همه این قرائات می‌توانند صحیح باشند؟ با فرض صحت این قرائت‌ها، آیا می‌توان بر آن شد که این قرائت‌ها با قرائت متواتر و مشهور تفاوت معنایی ندارند و همگی در صدد بیان مطلب واحدی هستند؟ یا در صورت مغایرت در معنا می‌توان به هر دو معنا اخذ کرد؟ در آیات الاحکام که ناظر به احکام شرعی و فقهی می‌باشند و اختلاف قرائات، گاه به تعارض حکم مستفاد از آیه می‌انجامد؛ تکلیف چیست؟ اهل فن در احتجاج و استشهاد به قرائت‌های مخالف با قرائت مشهور اختلاف ورزیده‌اند. البته لازم به یادآوری است که «صرف اعتبار قرائت‌های مختلف در مسئله اصولی و برای استنباط احکام کفایت نمی‌کند. در مسئله اصولی که قرآن به عنوان کاشف از واقع و حکم شرع مدنظر است، صرف اینکه قرائت‌های مختلف معتبر باشد، کافی نیست و اجتهاد فقهای شیعه بر مبنای کتاب و سنت و اجماع و عقل به جز از ادله شرعی، قید و بند دیگری ندارد» (سبحانی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). لذا ورود به مبحث اختلاف قرائت‌ها و اتخاذ موضعی عالمانه و روشمند، در گرو متمایز ساختن

پیش فرض‌ها و مقدمات و رسیدن به حکم فقهی قابل دفاع در آیات الاحکام دارای اختلاف قرائت معتبر، امری در خور توجه به نظر می‌رسد. در همین راستا، پژوهش حاضر به سبب اهمیت نماز طواف از میان مناسک عمره و حج تمتع در فقه اسلامی، بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تشریح اختلاف قرائت آیه «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره/ ۱۲۵) و سنجش حجیت هر قرائت با معیار سیاق آیات و نقد ادله قرائت غیر مشهور، به دنبال اثبات ترجیح قرائت مشهور و در پی آن رجحان حکم و جوب بر استحباب نماز طواف - مورد اختلاف فقهای شیعه و گروهی از اهل سنت - می‌باشد.

۱. عبارت «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» در آینه فن قرائات

قرآن کریم حج را از شعائر الهی برشمرده (حج/ ۳۲) و در آیات متعددی به مناسک و احکام فقهی آن از جمله: تشریح حج تمتع برای غیر اهالی مکه و مجاوران حرم (بقره/ ۱۹۶)، وقوف در مشعرالحرام و عرفات همراه با آداب آن (بقره/ ۱۹۹)، و جوب طواف خانه خدا (حج/ ۲۹)، و جوب نماز طواف (بقره/ ۱۲۵)، سعی میان صفا و مروه (بقره/ ۱۵۸) و... پرداخته است.

در همین راستا، پژوهش حاضر ضمن اشاره به قرائت‌های منقول از آیه ۱۲۵ سوره بقره - که بیانگر اجمالی یکی از ارکان مناسک حج و مصلاهی نماز طواف در حج و عمره است - به تبیین مفاد فقهی مستنبط از این قرائت‌ها می‌پردازد. بخشی از این آیه شریفه که در میان قاریان مورد اختلاف است، فعل «وَاتَّخِذُوا» در آیه «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمَّا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره/ ۱۲۵) است که به دو صورت فعل ماضی و فعل امر قرائت شده است.

۱-۱. قرائت آیه با فعل امر «وَاتَّخِذُوا»

قرائت مشهور از این آیه، همان قرائت حفص از عاصم به صورت «فعل امر و کسر خاء (وَاتَّخِذُوا) است» (ابن مجاهد، بی‌تا: ۱۷۰؛ دانی، ۱۳۸۳: ۷۶). بر پایه این قرائت، جمله

انشایه بین دو جمله خبریه قرار می‌گیرد و معنای آیه چنین می‌شود: «و [به خاطر بیاورید] هنگامی را که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم و از مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود انتخاب کنید، و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید».

مراد از قرائت مشهور، همان قرائت عاصم بن ابی‌التجود اسدی کوفی (متوفای ۱۲۷ ق.) است که در کوفه شهرت یافت. در مورد اینکه عاصم قرائت را از چه کسی فرا گرفته است، نظرات زیادی وجود دارد. «برخی گفته‌اند که او قرائت را از تابعین فرا گرفته است» (سیوطی، ۲۰۰۸: ۱۰۴). در جای دیگر آمده است که «او قرآن را از زب بن حبیش و او از عبدالله بن مسعود فرا گرفته است» (صالح، ۱۳۹۳: ۳۶۷). همچنین او را در علم قرائت، شاگرد ابوعبدالرحمان سلمی دانسته‌اند. «عاصم قرائت را از ابوعبدالرحمان سلمی فرا گرفته که او نیز قرائت تمامی قرآن را از امیر مؤمنان علی ع دریافت نموده است» (ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، ۱۳۷۹: ۴۳/۲) و «فصیح‌ترین قرائات، قرائت عاصم است؛ زیرا از ریشه آن فرا گرفته و هر آنچه دیگران کج رفته‌اند، او راه استوار را انتخاب نموده است» (همان).

«قاریانی که آن را به کسرِ خاء خوانده و فعل امر دانسته‌اند، فعل ماضی "قلنا" را برای ایجاز حذف کرده‌اند و از لحاظ بلاغی فایده‌اش این است که در اذهان شنونده و خواننده، تأثیر بیشتری دارد» (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۴۶۱/۱).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه، این جمله را عطف بر جمله قبلی ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾ می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۰/۱)؛ اما طبرسی فعل ﴿وَأَتَّخِذُوا﴾ به کسر خاء را عطف بر آیه ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ادْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/ ۱۲۲) می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۲/۱).

البته جمله ﴿اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ بنا بر اینکه امر باشد، خود عطف بر «حجوا» یا «طوفوا»ی محذوف است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۳۵/۶).

﴿وَأَتَّخِذُوا﴾ فعل امر و معطوف بر «اذکروا»ی مقدر است که قبل از ﴿إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ﴾ تقدیر گرفته شد و همین قرائت سیاهی است، نه به فتح خاء معجمه، چنانچه

بعضی قرائت نموده و فعل ماضی گرفته‌اند (طیب، ۱۳۷۸: ۱۸۸/۲).

۲-۱. قرائت آیه با فعل ماضی «وَاتَّخَذُوا»

منشأ این نوع از قرائت، قرائت نافع و ابن عامر است که «در این قرائت، قاریان فعل «اتَّخَذُوا» را به فتح خاء و به صورت ماضی خوانده‌اند» (ابن جزری، ۱۴۲۹: ۲۲۲/۲؛ دمیاطی، ۱۴۲۲: ۱۴۷). در این قرائت، جمله «وَاتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» خبر از فرزندان ابراهیم است که مقام ابراهیم را مصَلًّى قرار داده‌اند و «إِذْ» در جمله‌های بعد به دلالت «إِذْ» با جمله‌های قبل و بعد مرتبط است و معنای آیه چنین می‌شود: «[و به خاطر بیاورید] هنگامی را که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم و از مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود انتخاب کردند، و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه کنید». به بیانی دیگر در این نوع از قرائت، فعل «اتَّخَذُوا» بر فعل ماضی «جعلنا» معطوف شده است. طرفداران قرائت فعل «اتَّخَذُوا» به صیغه ماضی با توجه به سیاق جمله‌ها معتقدند که قرائت به ماضی با سیاق کلام بیشتر تناسب دارد؛ زیرا فعل در جمله‌های قبل و بعد به صورت ماضی است و «اگر فعل «اتَّخَذُوا» با فتح خاء خوانده شود، هر سه جمله خبریه خواهند بود و حکایت از گذشته دارند، که در این حال مخصوص عصر حضرت ابراهیم، و صدر و ساقه آیه منسجم خواهد بود. به عبارتی دیگر، قرائت فعل «اتَّخَذُوا» به کسر خاء را ناهماهنگ با سیاق ماقبل و مابعد می‌دانند؛ چرا که جمله انشاییه در بین دو جمله خبریه قرار می‌گیرد و در توجیه استفاده از فعل ماضی در این وجه از قرائت، هماهنگی سیاق عبارت‌های آیه را دلیل اختیار وجه قرائت به فتح خاء دانسته‌اند» (ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۱۱۱).

توجه به این نکته لازم است که پذیرش حجیت هر یک از دو قرائت مذکور، جدای از تبیین و تفسیر واژه «مصَلًّى» نیست. طبرسی در مجمع البیان ضمن تفسیر این آیه، سه مفهوم را برای مصَلًّى در نظر می‌گیرد: الف- محلی برای دعا کردن؛ ب- قبله برای نماز گزاردن؛ ج- محلی برای نماز طواف (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۴/۱)، و در ادامه توضیح می‌دهد:

«مقام ابراهیم صرفاً مکانی برای دعا کردن نیست. اینکه قطعه سنگ به عنوان قبله‌ای

برای نماز گزاردن باشد، با توجه به فرض مانعی ندارد؛ چون تنها این قسمت به عنوان محاذی مقام قبله نیست. پس نمازگزار باید طوری بایستد که او و مقام و کعبه در یک راستا باشند. منظور از مصلی قرار دادن مقام این است که باید نماز خاصی آنجا برگزار شود» (همان: ۳۸۵/۱).

در جای دیگر در تفسیر مصلی و حکم نماز چنین آمده است:

«مقام ابراهیم، جایی است که ابراهیم خدای خود را در آنجا خوانده و "مصلی" جایگاه و موضع دعاست و برخی هم معنای اختصاصی مصلی را در نظر گرفته و آن را نمازگاه اختصاصی دانسته‌اند» (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۴۰/۱).

و در ظاهر چنین استنباط می‌شود که فعل امر در اینجا بر وجوب دلالت می‌کند (همان: ۵۰/۱).

۲. مفاد فقهی قرائات

مطالعات حاکی از آن است که مفسران در مواجهه با اختلاف قرائات به سه روش عمل کرده‌اند. گروهی تنها به قرائت مشهور بسنده کرده‌اند. گروهی دیگر همه قرائت‌های مشهور را معتبر دانسته‌اند و گروه سوم به نقد و گزینش قرائات روی آورده‌اند. مبنای نظری رویکرد اول آن است که تنها قرائت قابل قبول، قرائت حفص از عاصم است که با قرائت جمهور مسلمانان سازگار است (معرفت، ۱۴۱۵: ۱۵۲/۲). محقق خوبی در *البیان* پیروی از تمام قرائت‌های معروف را جایز شمرده است (موسوی خوبی، بی‌تا: ۴۵۳). در مقابل، شیخ طوسی در *التبیین و طبرسی در مجمع البیان و طبری در جامع البیان* به نقد و بررسی روایات روی آورده‌اند (برای نمونه رک: طوسی، بی‌تا: ۲۲۱/۲ و ۱۱۳/۷). آنچه در میان اکثریت مسلمانان مشهور است، وجوب نماز طواف بعد از هفت شوط طواف و قبل از انجام سعی صفا و مروه می‌باشد؛ لیکن در حکم نماز طواف دو قول وجود دارد. به عبارت دیگر، دیدگاه فقهای امامیه و اکثریت فقهای عامه بر وجوب نماز طواف است؛ «اما شافعی و گروهی از حنابله آن را مستحب می‌دانند. حتی شافعی قول عدم وجوب را به بعضی از علمای شیعه نسبت می‌دهد» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۷۵/۱). شیخ طوسی نیز دیدگاه عامه را این گونه بیان می‌کند:

«دو رکعت نماز طواف واجب است، در نزد بیشتر اصحاب ما و عامه اهل علم. ابوحنیفه و مالک و اوزاعی و ثوری به همین قول قائل اند و شافعی در این باره دو قول دارد: یکی همانند ما و دیگری اینکه آن دو رکعت واجب نیست، و این قول دوم اصح در نزد شافعی‌ها می‌باشد و به همین قول قائل شده‌اند» (طوسی، بی‌تا: ۳۲۷).

بررسی‌ها حاکی از آن است که اکثریت فقهای امامیه، به وجوب نماز طواف قائل شده‌اند و برخی اقوال نادر، نقض اجماع نمی‌کند. لیکن در میان فقهای عامه اختلاف نظر جدی وجود دارد؛ برخی به وجوب و برخی به استحباب آن فتوا داده‌اند و همان گونه که در مستندات فقهی اهل سنت آمده است، مالکیه و حنفیه قائل به وجوب و دو فرقه دیگر یعنی شافعیه و حنبلیه، قائل به استحباب نماز طواف حتی در طواف واجب می‌باشند. از آنجایی که در بسیاری از کتاب‌ها، استنباط حکم نماز طواف به آیه ۱۲۵ سوره بقره استناد داده شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۷۴۴/۱)، به نظر می‌رسد ریشه و منشأ اختلاف فریقین در وجوب و استحباب نماز طواف، اختلاف قرائت در فراز ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ از آیه شریفه باشد. لذا کندوکاو در دو قرائت متفاوت این آیه و حکم مستنبط از آن دو، در خور توجه می‌نماید.

۱-۲. اقوال فقهی مستخرج از قرائت آیه با فعل امر

گروهی از مفسران به صراحت علّت وجوب دو رکعت نماز طواف را امر در آیه ۱۲۵ سوره بقره می‌دانند؛ «کلمه "اتَّخِذُوا" در آیه ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّئًا﴾ بر وجوب دلالت دارد نه استحباب» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۵). «دو رکعت نماز طواف فریضه است، همان طور که طواف فریضه است و این قول صحیح از اقوال اصحاب ماست و اندکی از آن‌ها معتقد شده‌اند که آن دو رکعت مستحب است، ولی اظهر قول اول است» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۷۶/۱). «دو رکعت نماز طواف واجب است و کفاره ترک آن، قربانی کردن گوسفند است» (بیهقی، ۱۴۰۵: ۴۵۱). برخی مفسران نیز تنها نمازی را که در کنار مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام واجب شده است، نماز طواف برشمرده‌اند؛ «قطعاً نماز دیگری غیر از نماز طواف در کنار مقام ابراهیم واجب نیست» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۷۷/۱؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۱: ۶۶؛ کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۹۴/۸). شیخ طوسی معتقد است:

«این آیه اطلاق دارد و نماز طواف واجب و مستحب نزد مقام را شامل می‌شود. اما مفاد بعضی از روایات بر این است که نماز طواف مستحب را می‌توان در هر جای مسجد الحرام به جای آورد» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۹/۵).

بنابراین مشخص می‌شود که مقام ابراهیم در نماز طواف موضوعیت دارد. گفتنی است که «حدیث حج پیامبر اسلام ﷺ در سال دهم هجری، به روایت امام صادق (ع)» (کلینی، ۱۴۱۶: ۲۴۵-۲۴۸/۴، ابن حنبل، بی‌تا: ۳۲۰/۳-۳۲۱)، مهم‌ترین سند احکام حج و منبع استنباط آن‌ها در همه مذاهب اسلامی به شمار می‌رود. «قبله قرار دادن مقام، از زمان ابراهیم و اسماعیل (ع) تا زمان پیامبر ﷺ سابقه تاریخی دارد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۳/۱). به عبارت دیگر، حجت کسانی که فعل «وَأَتَّخِذُوا» را به امر خوانده‌اند، روایاتی است که ذیل شأن نزول این آیه نقل شده است. در روایتی که بخاری از عمر نقل کرده، آمده است:

«خداوند در سه مورد با من موافقت کرد؛ یکی آنجا که به رسول خدا گفتم آیا مقام ابراهیم را مصلی قرار ندهیم؟ خداوند آیه ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ را نازل کرد» (ابن زنجله، ۱۴۰۲: ۱۱۱).

طبری در توجیه اختیار قرائت به کسر خاء، به همین روایت استشهاد می‌کند که بر وفق آن، عمر بن خطاب در گفتگویی با پیامبر ﷺ آرزو می‌کند که «ای کاش! مقام ابراهیم به عنوان جایگاه نماز انتخاب گردد و سپس به دنبال این آرزوی عمر، آیه ۱۲۵ سوره بقره نازل می‌شود» (طبری، ۱۴۱۲: ۷۴۴/۱).

با فرض صحت و پذیرش این روایت، «جمله ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ به امت اسلام خطاب می‌کند» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۹۲/۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۲۱/۱).

روایت معتبره ابوبصیر (حز عاملی، ۱۳۸۶: ۴۳۰/۱۳) نیز از جمله روایاتی است که بر حکم وجوب نماز طواف صحه می‌گذارد. همچنین در روایتی دیگر، خواندن نماز طواف در کنار مقام ابراهیم، سنت پیامبر قلمداد شده است:

«پیامبر خدا ﷺ وقتی نماز طواف را در کنار مقام ابراهیم اقامه کرد، آیه ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ را تلاوت کرد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۳/۱؛ حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۳۷۷/۱).

برخی نیز شأن نزول آیه را در همین زمان می‌دانند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۶۹/۱):

ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۱/۳۷۴).

سیدهاشم بحرانی در ذیل تفسیر آیه از قول حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است که اگر دو رکعت نماز طواف واجب در جای دیگری جز مقام ابراهیم خوانده شود، «... فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ» (حسینی بحرانی، ۱۴۱۷: ۱/۱۵۲). به عبارتی دیگر، با پذیرش اینکه در این آیه، مردم به صیغه امر خطاب می‌شوند و مقام ابراهیم را باید به عنوان مصلی اتخاذ کرد و از سوی دیگر فقها اجماع دارند که نمازهای واجب یومیه، در همه جای مسجد قابل اقامه است، لذا این آیه کریمه مربوط به نماز طواف است.

۲-۲. قول فقهی مستخرج از قرائت آیه با فعل ماضی

در مذاهب فقهی اهل سنت، در شمارش ارکان و اعمال عمره، فقها در مورد حکم نماز طواف دو نظریه مختلف داده‌اند. «در فقه شافعی و حنبلی نماز طواف جزء سنت‌های حج تمتع و عمره پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در فقه حنفی از واجبات حج می‌باشد» (جزیری، ۱۴۲۴: ۱/۵۹۲). به عبارت دیگر، شافعی‌ها و حنبلی‌ها نماز طواف را از مستحبات طواف می‌دانند؛ بنابراین نه تنها واجبی به نام نماز طواف را در حج قبول ندارند، بلکه استحباب آن را در ضمن طواف می‌دانند و لذا می‌گویند: از جمله مستحبات طواف، خواندن دو رکعت نماز بلافاصله بعد از طواف است. ابن رشد در این زمینه به اجماع فقها بر عدم وجوب نماز طواف اشاره می‌کند:

«فقها اجماع دارند بر اینکه از مستحبات طواف است که بعد از آن، دو رکعت نماز خوانده شود» (ابن رشد قرطبی، ۱۴۲۵: ۲/۱۰۷).

شایان ذکر است گروهی دیگر از صاحب نظران، خواندن دو رکعت نماز بعد از طواف را سنت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در باب تحیت مسجد دانسته‌اند (ابن عثیمین، ۱۴۲۸: ۲/۸). نتیجه آنکه بر وفق قرائت فتح، آیه مزبور بیان می‌دارد که خداوند خانه کعبه را مرجع مردم قرار داد و مردم «مقام ابراهیم» را به عنوان محل نماز گزاردن اتخاذ نمودند. بدین سان غایت دلالت آیه، مشروعیت و مطلوبیت نماز گزاردن در مقام ابراهیم جلوه می‌کند؛ بی‌آنکه بتوان وجوب آن را از آیه استخراج نمود. اما بر وفق قرائت کسر، فعل امر «اتَّخِذُوا»، به وضوح نماز گزاردن در «مقام ابراهیم» را واجب می‌گرداند.

۳. نقد و بررسی قرائت غیر مشهور

مطالعه در سیر تاریخی علم قرائت قرآن کریم، نشانگر گوناگونی اقوال صاحب‌نظران و اندیشمندان و پژوهشگران در باب اختلاف قرائت و حجیت آن می‌باشد؛ و تشخیص اعتبار قرائت‌های مختلف برای آنکه قرآن دانسته شود و یا لااقل در چهارچوب ضوابط فقهی، احکام قرآن بر آن بار شود، از دیرباز مورد توجه دانشمندان قرائت و فقها بوده است. اهل سنت منشأ اختلاف در قرائت را نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌دانند و در اصول فقه برخلاف علم قرائت با قرائت‌های هفت گانه مشهور، نقادانه برخورد نکرده‌اند و تا آنجا که نگارندگان دریافته‌اند، در میان آن‌ها مسلم است که این قرائت‌ها تا عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متواتر نقل شده است (شمس‌الائمه سرخسی، بی‌تا: ۲۷۹/۱؛ زحیلی، ۱۹۸۶: ۴۲۶/۱). در بین فقهای شیعه، خلاف اهل سنت، تسالم یا شهرتی اصیل بر تواتر قرائت‌های هفت گانه وجود ندارد؛ به‌ویژه به گونه‌ای که بین اهل سنت با ارتباط دادن این قرائت‌ها به احادیث نزول قرآن به هفت حرف مرسوم است. این اندیشمندان علاوه بر دلایل عقلی، به براهین نقلی نیز استناد می‌کنند. از جمله این ادله، روایت صحیحی منقول از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام است؛ آنجا که می‌فرماید:

«إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ» (کلینی، ۱۴۱۶: ۶۳۰/۲؛ طوسی، بی‌تا: ۷/۱)؛ قرآن یک قرائت دارد که از سوی خدای واحد نازل شده است، اما اختلاف از نزد راویان به وجود می‌آید.

همچنین در صحیحۀ فضیل بن یسار از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

«به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: مردم می‌گویند قرآن بر هفت حرف نازل شده است. فرمود: دروغ می‌گویند. این‌ها دشمن‌های خدا هستند. قرآن بر یک حرف از سوی خدای واحد نازل شده است» (همان).

در همین راستا، بسیاری از اندیشمندان مسلمان معترف‌اند که «مهم‌ترین علت اختلاف قرائت در قرن دوم به بعد، دخالت رأی و اجتهاد از ناحیه گروه‌های مختلف به‌ویژه قاریان، نحویون، متکلمان، فقها و مفسران در ابداع قرائت‌های مختلف یا ترجیح پاره‌ای از قرائت‌ها بر قرائت دیگر بوده است» (عاملی، ۱۴۱۳: ۲۷).

روشن است که در حجیت و اعتبار قرائت‌های مختلف قرآن، حتی در چهارچوب قرائات سبعة، نزد فقهای اسلام، چه شیعه و چه اهل سنت، اختلاف است. پرسش اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در استنباط احکام هنگام اختلاف قرائت‌ها، نظیر آیه ۱۲۵ سوره بقره چه باید کرد؟ در پاسخ باید چنین گفت که اختلاف در قرائت‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌گردد؛ گروه اول، اختلافاتی که در معنای کلمه و یا آیه تفاوتی ایجاد نمی‌کنند و گروه دوم، اختلافاتی که در معنا و مفهوم و تفسیر آیه تأثیر گذاشته و آن را تغییر می‌دهند. در دسته دوم تنها باید یک قرائت را صحیح دانست و کلام وحی به حساب آورد و اطلاق نام قرائت به برخی از این قرائت‌ها مجازی است و نمی‌تواند حقیقت باشد و به کلام الله نسبت داده شود؛ چرا که حقیقت این است که نزول قرآن فقط یکی از دو قرائت مختلف است؛ یعنی در فرض بحث می‌دانیم که از دو معنای مورد اختلاف به دو قرائت مختلف، تنها یکی از آن دو، سخن شارع است و یا به عبارت دقیق‌تر قطعاً هر دو سخن از شارع مقدس نیست و باید اذعان نمود که تنها یکی از آن‌ها، عاری از خطا و دگرگونی است و قابلیت استدلال و احتجاج به آن جهت استنباط حکم فقهی وجود دارد. اختلاف قرائت‌ها در صورت تأثیر در استنباط احکام شرع، در مقام کشف از واقع که وظیفه عرفی الفاظ است، نمی‌توانند به تنهایی راهنما باشند؛ چرا که ما نمی‌دانیم آن لفظ قرآنی که حجت است، کدام است. در این صورت مراجعه به دلایل دیگر که ممکن است قرآن، روایات یا هر منبع معتبر دیگری باشد، راهگشاست. بنابراین باید به دنبال راهکارهایی برای تعیین قرائت صحیح بود. به همین جهت، بزرگان فن قرائت برای تشخیص قرائت صحیح و جدا ساختن آن از قرائت ناصحیح، ملاک‌ها و شروطی را مشخص کرده و متذکر شده‌اند که «هر گاه قرائتی دارای شروط ضابطه باشد، صحیح و مورد قبول است و اگر حتی یکی از این شروط را نداشته باشد، غیر صحیح و مردود است». در این باره سه شرط را یادآور شده‌اند:

شرط اول: صحت سند قرائت. باید قرائت شناخته‌شده، دارای سند صحیح تا یکی از صحابه باشد.

شرط دوم: با رسم الخط مصحف توافق داشته باشد.

شرط سوم: با قواعد ادبی عرب، توافق داشته باشد.

هر گاه قرائتی دارای این سه شرط باشد، صحیح و مورد قبول است. اگر یکی از این شروط را نداشته باشد، غیر صحیح و مردود است. در اصطلاح به قرائتی که فاقد شروط مذکور است، شاذّ گویند. این شروط سه گانه را «ارکان قرائت مورد قبول» نام نهاده‌اند. در توضیح این ارکان (شرایط سه گانه) گفته‌اند: قرائت لازم نیست با فصیح‌ترین قواعد عربی تطابق داشته باشد. کافی است که با یکی از لغت‌های عرب - گرچه نامشهور باشد - مطابقت کند؛ زیرا علمای نحو، بسیاری از قرائت‌ها را با قواعد مخالف دیده‌اند، در حالی که قرائت مذکور از یکی از قراء سبعة و مورد قبول می‌باشد. در توجیه این گونه قرائات گفته‌اند: تطبیق با قواعد مشهور ضرورتی ندارد؛ بلکه اگر قرائت با برخی از لغت‌های قبایل عربی تطابق داشته باشد، کافی است (ابن جزری، ۱۴۲۹: ۹/۱-۱۰).

در عصر حاضر، محمدهادی معرفت از قرآن‌پژوهان معاصر ضمن تأکید بر اینکه قرائت قرآن تنها به یک صورت است، ملاک صحت قرائت را سه شرط اساسی زیر معرفی می‌کند.

الف- موافقت قرائت با آنچه که در نزد عامه مسلمانان، مضبوط و محفوظ است، چه از نظر ماده کلمه و صورت آن و جا و موقعیت آن در نظم و ترتیب موجود، بر حسب آنچه که مسلمانان از سلف، آن را حفظ کرده‌اند.

ب- موافقت با آنچه که در لغت، فصیح‌تر شمرده شده و توافق آن با معروف‌ترین قواعد زبان عرب و شناخت آن نیز از طریق مقایسه با قواعد ثابت و یقینی لغت فصیح عرب، میسر است.

ج- با هیچ دلیل قطعی، اعم از برهان عقلی یا سنت متواتر و یا روایت صحیح الاسناد، معارض نباشد. اگر قرائتی دارای تمام این شرایط بود، قرائتی صحیح به شمار می‌آید و اگر فاقد این شرایط و یا یکی از این‌ها بود، قرائتی شاذّ به حساب می‌آید و یا دست کم نسبت به قرآن بودن آن، شک و تردید وجود دارد» (معرفت، ۱۴۱۵: ۱۷۰/۲).

در این جستار با به کارگیری این شروط، در آیه ۱۲۵ سوره بقره که دو قرائت مطرح شده، هدف تفسیر آیه بر اساس صحیح‌ترین قرائت و نزدیک‌ترین معنا به کلام معصومان علیهم‌السلام است. به نظر می‌رسد در برداشت فقهای حنبلی و شافعی از آیه که نماز طواف را امری مستحب جلوه می‌دهد و نه واجب (مجموعه من المؤلفین، ۱۴۰۰: ۱۹۸/۱)، تنها از بررسی منطوق عبارات برای کشف معنا و مراد آیه استفاده شده که کفایت نمی‌کند

و در این آیه شریفه، امر عامی وجود دارد که قسمتی از آن برای غرضی اتخاذ شده است.

۱-۳. روایات مؤید وجوب نماز طواف

دلیل اول در نقد این دیدگاه، روایات فراوانی است که به تشریح اعمال و مناسک حج از جمله نماز طواف اشاره می‌کند. طیفی از روایات به گونه‌ای است که به طور مستقیم نماز طواف را واجب می‌داند (عاملی، بی‌تا: ۸/باب ۲ از ابواب اقسام الحج، ح ۱) و گروه دیگری از روایات که به طور غیر مستقیم وجوب آن را بیان می‌کند و تذکر می‌دهد که اگر نماز طواف را فراموش کرد، باید برگردد و آن را به جا آورد و یا اینکه اگر نماز را پشت مقام نخوانده باشد، باید برگردد و در پشت مقام بخواند (کلینی، ۱۴۱۶: ۴/۴۲۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۱۴۰؛ عاملی جزینی، ۱۴۱۸: ۹/باب ۷۴ از ابواب طواف، ح ۱، ۳ و ۴). لذا این روایات مؤید این حقیقت است که نماز طواف نزد مقام واجب شده است و در روایات مفسره از معصومان علیهم‌السلام، مراد از نماز به نماز طواف تفسیر شده است (عاملی جزینی، ۱۴۱۸: ۹/باب ۷۲ از ابواب طواف، ح ۱ و ۲؛ باب ۷۴، ح ۱۰، ۱۵ و ۱۶).

از جهت روایات شأن نزول نیز از جابر روایت شده وقتی که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طواف می‌کرد، مقام ابراهیم را به عمر نشان داد. عمر گفت: یا رسول الله! آیا اینجا نماز نخوانیم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: برای من دستوری نیامده است، ولی هنوز آفتاب غروب نکرده بود که این آیه نازل شد و دستور خواندن نماز در مقام ابراهیم صادر شد. چنان که بیضاوی و ابن ابی حاتم و ابن مردویه از عامه نقل کرده‌اند، لکن تفاسیر روح الجنان و جلاء الاذهان این موضوع را به نام یکی از صحابه نقل کرده و اسمی از عمر بن خطاب نبرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۱۱۱). ولی در صحت و پذیرش این روایت جای ابهام است؛ چرا که عموم آیات سوره بقره به جز آیه ۲۸۱ در مدینه نازل شده است.

۲-۳. سیاق آیات و بررسی قرائات آیه ۱۲۵

در انتقاد بر برداشت فقهای حنبلی و شافعی از آیه ۱۲۵ سوره بقره باید گفت که همیشه بررسی منطوق عبارات برای کشف معنا و مراد آیه مورد بحث، کفایت نمی‌کند و به منظور پرهیز از شتاب‌زدگی و استنباط ناصواب، لازم است علاوه بر سیاق عبارات که این دو فرقه به آن تمسک جسته‌اند، به ملاک‌های دیگری نیز توجه داشت و از آن‌ها

غافل نماند؛ چنان که توجه به سیره تفسیری علامه طباطبایی در *المیزان* نشان می‌دهد با وجود اینکه ایشان قرائت حفص از عاصم را مبنای تفسیر خویش قرار داده است، لکن این امر سبب بی‌توجهی ایشان به سایر قرائات نشده و برای ترجیح یک قرائت، تنها شهرت را کافی ندانسته و از ملاک‌هایی نظیر ضعف و قوت سندی و دلالتی قرائت، مطابقت با رسم‌الخط مصحف، تناسب با سیاق، مطابقت با قواعد علم صرف و نحو، مؤید قرآنی و مؤید روایی بهره برده است. همچنین طبری در تفسیر خویش تنها به یک دلیل بر ترجیح قرائت اکتفا نمی‌کند. به عبارت دیگر، در ترجیح یکی از قرائات علاوه بر انطباق با قواعد نحوی، هماهنگی بین قرائت و سخن فصیح را از نظر دور نمی‌دارد. «وی در موارد اختلاف قرائات، قول برخی از قراء و مفسران، مانند ابن عباس را مورد اعتماد می‌داند. همچنین هماهنگی قرائت با سیاق آیه، اجماع قاریان و قرآن‌دانان در مورد قرائتی خاص، هماهنگی قرائت با قواعد معروف عربی، هماهنگی با رسم‌الخط قرآن، هماهنگی قرائت با تفسیر علمای لغت و نحو و اهل تأویل، و سهولت لفظی و تناسب معنوی یکی از قرائت‌ها را از دلایل ترجیح قرائت برمی‌شمارد» (آشکار تیزابی، ۱۳۹۴: ۲۰-۳۲).

دلیل دیگری که طرفداران قرائت نافع و ابن عامر به آن استناد کرده‌اند، هماهنگی با سیاق سایر عبارت‌های آیه است که در این صورت، در جمله اول فعل ماضی «جَعَلْنَا»، در جمله دوم فعل ماضی «وَأَتَّخَذُوا» و در جمله سوم نیز فعل ماضی «عَهَدْنَا» آمده است. اما نباید غافل شد که هرچند سیاق زمانی هر سه جمله، ماضی است و از این نظر هر سه سیاق واحدی دارند، لکن جمله اول و سوم به صیغه متکلم و جمله دوم به صیغه غایب است. پس در واقع، جمله‌ها از نظر صیغه، سیاق واحدی ندارند و نمی‌توان مدعی شد که قرائت «وَأَتَّخَذُوا» به فتح خاء، هماهنگ با سیاق آیه می‌باشد. «معنای آیه بر وفق قرائت با فعل ماضی بیان می‌دارد که خداوند خانه کعبه را مرجع مردم قرار داد و مردم «مقام ابراهیم» را به عنوان محل نماز گزاردن اتخاذ نمودند. از آنجا که در هر یک از این قرائات، سیاق کل آیه متغیر و متعارض خواهد شد، لذا جهت رفع این مشکل می‌توان از حقایق تاریخی بهره جست؛ چرا که پذیرش محل نماز قرار گرفتن مقام در زمان حضرت ابراهیم، «مبتنی بر این است که کعبه و مقام از زمان جعل بیت

به عنوان مصلی بوده باشد، حال آنکه شواهد تاریخی این امر را ثابت نمی‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۴۶/۶).

همچنین علامه طباطبایی معتقد است که این آیه اشاره به تشریح حج و نیز مأمَن بودن خانه خدا و مثبت، یعنی مرجع بودن آن دارد و جمله «وَأَتَّخِذُوا» عطف بر جمله پیشین است که بر وجوب اتخاذ مقام ابراهیم به عنوان مصلی و محلی برای نماز دلالت می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۰/۱). لذا از این بیان علامه نتیجه می‌شود که در این آیه، به صراحت امر بر صلاة و نماز نیست، بلکه بر اتخاذ جایگاهی برای نماز از مقام ابراهیم تأکید شده است. در بیان علت ترجیح قرائت «اتَّخِذُوا» به فعل امر - که جمله‌ای انشایی و دستوری است - می‌توان متذکر شد که «شاید امر به اتخاذ مصلی از مقام ابراهیم، قرینه بر این باشد که مقصود از «جعلنا البیت...» نیز معنایی انشایی و دستوری است. به این مفهوم که مراد از «جعل»، تشریح قانون است و در نتیجه مفاد جمله چنین خواهد شد که باید مردم به سوی خانه خدا بیایند و امنیت آن را به شایستگی پاس بدارند» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۴۶/۶).

نتیجه‌گیری

آیه «وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره/۱۵۶) در زمره آیات الاحکام قرآن کریم بوده و اختلاف قرائت موجود در آن، برداشت‌های تفسیری و در نتیجه مفاهیم مستفاد فقهی متفاوتی را رقم زده است. اهل سنت منشأ اختلاف در قرائات را نبی اکرم ﷺ می‌دانند و شیعیان بر اساس روایات اهل بیت ﷺ باور دارند که قرآن کریم واحد بوده، از نزد خدای واحد نازل شده و اختلاف از جانب راویان است. از همین رو فقهای اهل تسنن در مورد حکم نماز طواف دو نظریه مختلف داده‌اند. شافعی‌ها و حنبلی‌ها نماز طواف را از مستحبات طواف می‌دانند و مالکیه و حنفیه خواندن دو رکعت نماز بعد از طواف را از واجبات طواف می‌دانند. فقهای شیعه با دستوری دانستن فعل «اتَّخِذُوا» بر وجوب نماز طواف در پشت مقام تأکید می‌کنند و روایات معصومان ﷺ نیز به صراحت و یا به طور ضمنی بر وجوب نماز طواف دلالت دارد و نیز فعل ماضی - خلاف مدعای قرائت غیر مشهور - از سازگاری و تناسب کمتری با سیاق آیه ۱۲۵ برخوردار است.

کتاب شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آشکار تیزابی، محمد فاروق، «وجوه و معیارهای ترجیح قرائات در تفسیر طبری»، فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال دهم، شماره ۹۳، بهار ۱۳۹۴ ش.
۳. ابن ادریس حلی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن بطوطه، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله اللواتی الطنجی، رحلة ابن بطوطه، رباط، اکادمیه المملكة المغربية، ۱۴۱۷ ق.
۵. ابن جزری، ابوالخیر محمد بن محمد دمشقی، النشر فی القراءات العشر، به کوشش علی محمد الضباع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۹ ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
۸. ابن رشد قرطبی اندلسی، محمد بن احمد، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۲۵ ق.
۹. ابن زنجله، ابوزرعة عبدالرحمن بن محمد، حجة القرائات، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۲ ق.
۱۰. ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر (تفسیر ابن عاشور)، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح بن محمد العثیمین، فتاوی نور علی الدرب، بی جا، بی تا، ۱۴۲۸ ق.
۱۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله، احکام القرآن، بیروت، بی تا، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. ابن مجاهد، احمد بن موسی، کتاب السبعة فی القراءات، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف، بی تا.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۱۷. جزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، چاپ دهم، قم، اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۶ ق.
۲۰. حسینی بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الاحکام، تهران، نوید، ۱۴۰۴ ق.
۲۲. حسینی عاملی، سید جعفر مرتضی، حقایق مهم پیرامون قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، ترجمه محمدرضا حاجی اسماعیلی، تهران، سروش، ۱۳۸۳ ش.
۲۴. دمیاطی، شهاب الدین احمد بن محمد بن عبدالغنی، اتحاف فضلاء البشر فی القراءات الاربعه عشر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.

٢٥. رشيد رضا، محمد شمس الدين بن محمد، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٠ م.
٢٦. زحيلي، وهبة بن مصطفى، اصول الفقه الاسلامي، بيروت، دار الفكر، ١٩٨٦ م.
٢٧. سيحاني، جعفر، منشور عقايد اماميه، چاپ پنجم، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٨٨ ش.
٢٨. سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، الاقنانه فى علوم القرآن، بيروت، دار الفكر، ٢٠٠٨ م.
٢٩. شمس الائمة سرخسى، ابوبكر محمد بن احمد بن ابى سهل، اصول السرخسى، بيروت، دار المعرفه، بى تا.
٣٠. صالح، صبحى، مباحثى در علوم قرآن، ترجمه محمدعلى لسانى فشاركى، تهران، احسان، ١٣٩٣ ش.
٣١. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٧ ق.
٣٢. طبرسى، امين الدين ابوعللى فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، ناصرخسرو، ١٣٧٢ ش.
٣٣. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفه، ١٤١٢ ق.
٣٤. طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، چاپ چهارم، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ ق.
٣٥. همو، كتاب الخلاف - كتاب الحج، قم، دفتر انتشارات اسلامى، بى تا.
٣٦. طيب، سيد عبدالحسين، اطيب البيان فى تفسير القرآن، چاپ دوم، تهران، اسلام، ١٣٧٨ ش.
٣٧. عاملى، سيدجعفر مرتضى، حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٠ ق.
٣٨. عاملى جزينى (شهيد اول)، محمد بن جمال الدين مكى، ذكرى الشيعة فى احكام الشريعه، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١٨ ق.
٣٩. كركى عاملى (محقق ثانى)، على بن حسين، جامع المقاصد فى شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١٤ ق.
٤٠. كلينى، ابوجعفر محمد بن يعقوب، اصول كافى، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٦ ق.
٤١. مجموعه من المؤلفين، فتاوى دار الافتاء المصريه، بى جا، بى تا، ١٤٠٠ ق.
٤٢. محقق سبزواري، محمدباقر بن محمد مؤمن، كفاية الاحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢١ ق.
٤٣. معرفت، محمدهادى، التمهيد فى علوم القرآن، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٥ ق.
٤٤. موسوى خويى، سيدابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، قم، مؤسسه احياء آثار الامام الخوئى، بى تا.

